

## بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی

معصومه افشارنیا<sup>۱</sup>، رضا عباسی و مرتضی دسترنج<sup>۲</sup>

۱- آموزگار دبستان مهدیار سرمه، آموزش و پرورش منطقه کهریزک، تهران، ایران

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و مدیریت دبیرستان شهید بهشتی، آموزش و پرورش منطقه گله دار، فارس، ایران

و دبیر دبیرستان شهید بهشتی، آموزش و پرورش منطقه گله دار، فارس، ایران

([rabbasi.25@yahoo.com](mailto:rabbasi.25@yahoo.com))

### چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی مدیریت کلاس درس<sup>۱</sup> و روش کلاس داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی هست. یکی از عواملی که امروزه معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش به‌عنوان موضوعی مهم و اساسی بدان توجه دارند، عامل مدیریت کلاس است که از دیرباز به‌عنوان پیچیده‌ترین موضوع در بهبود کیفیت آموزش شناخته شده است. تشکیل و اداره‌ی کلاس از وقت‌گیرترین فعالیت‌های حرفه‌ی معلمی تلقی می‌شود. هنگامی که بیشتر وقت کلاس صرف مشکلات انضباطی شود، به‌طور عملی زمان کمتری برای تدریس و یادگیری دروس باقی می‌ماند. بعضی عقیده دارند، مدیریت کلاس درس فقط با حفظ نظم و انضباط کلاس قابل طرح است، اما مدیریت کلاس درس سخنی بس فراتر از آن است. تحقیقات بی‌شمار نشان داده‌اند، بعضی از مشکلات اخلاقی و اجتماعی نوجوانان ما حاکی از جذاب نبودن محیط مدرسه و کلاس درس و کشمکش‌های این‌گونه دانش‌آموزها با معلمان و در نتیجه افت تحصیلی آنان بوده است. لذا وجود مدیریت کارآمد معلمان و ایجاد شرایط لازم برای تسهیل در امر یادگیری در کلاس درس که مطابق نیازها و ویژگی‌های فراگیران باشد، لازمه‌ی جامعه‌ی امروزی و راه‌گشای بسیاری از مشکلات نوجوانان است. مقاله حاضر بر آن است تا به مفهوم مدیریت کلاس درس، اهمیت و ابعاد گوناگون آن بپردازد. ابتدا مفهوم مدیریت مورد بررسی قرار گرفته، سپس به اهداف، اصول و مهارت‌های مدیریت کلاس درس اشاره می‌گردد. در ادامه ضرورت انضباط و مدیریت کلاس درس و روش‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان ضمن بحث و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت کلاس درس اعم از رفتارهای معلم و فنون تدریس بیان شده و راهبردهای موفق مدیریت کلاس ذکر گردیده است و رهنمودهایی به‌منظور اداره صحیح و اصولی کلاس درس و بهبود کیفیت آموزش در مدارس و مراکز آموزشی ارائه می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** مدیریت کلاس درس، کلاس داری، مهارت‌های مدیریت کلاس، روش‌های مدیریت، راهبردها.

### مقدمه

بدون شک تدریس یکی از دشوارترین مشاغل محسوب می‌گردد. چه آنکه علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، هر معلمی باید از هنر و تجربه تدریس نیز برخوردار باشد. معلمان موفق به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند، اما در یک رویکرد باهم مشترک‌اند که آن، توانایی اداره کردن کلاس خود به‌طور مؤثر و کارآمد می‌باشد. بدون مهارت‌های مورد نیاز برای عملی کردن این کار

<sup>۱</sup> -Classroom management

حتی معلمان علاقمند و مطلع نیز شکست خواهند خورد. مهارت‌های معین بسیاری وجود دارد که دارا بودن آن‌ها برای معلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد و مدیریت کلاس از جمله مواردی است که معلمان برای ایفای موثر وظیفه خود به آنها نیاز دارند. این مقاله بر آن است به بررسی مدیریت کلاس درس بپردازد.

از مدیریت<sup>۱</sup> تعریف‌های زیادی شده است که بر اساس اهمیت کاربرد آن‌ها در رفتار کلاسی به برخی اشاره می‌شود. یکی از تعاریف قابل قبول مدیریت در امر رفتار کلاسی این تعریف است:

مدیریت یعنی هنر انجام دادن کارها به وسیله‌ی دیگران (فالت) در این تعریف، رفتار آمرانه‌ی معلم و همچنین خود محوری وی مورد انتقاد قرار می‌گیرد. با توجه به این تعریف، معلم بایستی یک راهنمای خوب باشد، ولی کارها توسط خود دانش‌آموز انجام شود. و آنها در امر یادگیری فعال باشند. بدیهی است که هر چه مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی و در امر یادگیری بیشتر باشد، رشد مهارت‌های گوناگون در آنان بیشتر می‌شود، و متکی به خود می‌گردند و اعتماد بنفس در آنان رشد می‌کند. باید در نظر داشت که این تعریف در کلاس‌هایی که فراگیران دوران کودکی را طی می‌کنند، دارای کاربرد زیادی نیست در مقطع ابتدایی، پیش از آنکه معلم به کودکان آموزش دهد، بایستی عمدتاً خود، برنامه ریز بوده و اهداف آموزشی را دنبال کند، زیرا با توجه به ویژگی‌های خاص کودکان اولامتکی به دیگران بوده و ثانیاً کم تجربه می‌باشند، این وظیفه به معلم برمی‌گردد، در حالی که آموزش بزرگسالان به دلیل اینکه آنان در امر برنامه ریزی‌های درسی و کلاسی، از اهمیت زیادی برخوردار می‌گردد. با توجه به موارد فوق در آموزش دوره‌های بالاتر، لازم است فراگیران، خود در امر یادگیری مشارکت داشته باشند. در تعریف دیگر مدیریت کار کردن با افراد به وسیله اعضای گروه‌ها برای تحقق اهداف سازمانی بیان شده است (پرداختچی، ۱۳۷۲).

در این تعریف، اهمیت مشاکت معلم به عنوان رهبر و راهنمای دانش‌آموزان، بیشتر ملحوظ است، بدین معنی که پس از اینکه اهداف مشخص شد معلم و دانش‌آموزان بایستی با برنامه ریزی صحیح راه رسیدن به آن را دنبال کنند.

صفوی (۱۳۷۲) مدیریت کلاس درس را، رهبری کردن امور کلاس درس از طریق تنظیم برنامه‌ی درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کارایی، نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و پیش‌بینی مسایل بالقوه می‌داند.

رئوفی (۱۳۷۷) مدیریت کلاس درس را این‌گونه تعریف می‌کند: مدیریت کلاس عبارت است از: هنر به‌کاربردن دانش تخصصی و بهره‌گیری از مهارت‌های کلاس‌داری در هدایت دانش‌آموزان به سوی اهداف مطلوب مورد نیاز دانش‌آموزان و جامعه. گرچه کارایی معلم براساس نگرش، نیت و شخصیت از یک سو و همه جانبه بودن او بر اساس مهارت در توانمندسازی دانش‌آموزان از سوی دیگر سنگ بنای مدیریت کلاس درس است، اما معلم به‌مهارت‌ها و فنی‌سازمان دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه‌ای را برای تحقق یادگیری خلق کند (تاج‌الدین، ۱۳۸۲).

پس بسیار شایسته است که مدیریت کلاس و اهم مطالب مربوط به آن بررسی شده و موانع و مشکلات مدیریت مؤثر بررسی شده و راهبردهایی جهت مقابله و رفع موانع مدیریت کلاس تحلیل و ارائه گردد تا بتوانیم با به‌کارگیری راهبردها بر مشکلات فائق آمده و محیط کلاس را به محیطی جذاب، شاد و مثبت جهت حداکثر تعامل و یادگیری تبدیل کنیم.

## سازماندهی و مدیریت کلاس درس

مدیریت کلاس درس عبارت از رهبری کردن امور کلاس درس از طریق تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کار نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و پیش‌بینی مسائل با لقوه است. (صفوی، ۱۳۷۲). تعریف دیگری از سازماندهی و مدیریت کلاس وجود دارد که میتوان از آنها در رهبری کلاس درس، با تکیه بر بعد انسانی آن چنین تعریف کرد:

<sup>1</sup> -Management

مدیریت کلاسی عبارت است، از هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره‌گیری از مهارت های کلاس داری در هدایت دانش آموزان به سوی اهداف مورد نیاز و جامعه.

مهمترین دغدغه‌ی معلمان مبتدی، از اداره ی کلاس و یا به تعبیری مدیریت اداره ی کلاس درس ناشی می شود. برقراری نظم و کنترل کلاس و تدریس موفق، مجموعه نگرانی های این گونه معلمان است. بنابراین آگاهی از مفهوم مدیریت کلاس و راهبردهای آن، راهی برای رفع این نگرانی هاست. در تعریف مدیریت کلاس درس گفته شده است: «مدیریت کلاس درس ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است.» بر این اساس می توان استنتاج کرد، مهارت های مدیریت کلاس درس، سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است. این امر به ویژه در کلاس های درس مدرسه های ایران که مملو از دانش آموزانی است که گاهی شمار آنان بالاتر از حد استاندارد است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

## اهداف مدیریت کلاس

روش معلم در مدیریت کلاس براساس جهت‌گیری‌های انسانی در محیط کلاس است. معلم باید به دانش‌آموزان به‌عنوان افراد مجزا و مستقل نگاه کند و راه‌های مناسب برای پذیرش و اجرای رفتاری خاص را در هر دانش‌آموز پیدا نماید.

از نظر بیکرووستراپ (۸۵) (۲۰۰۰)، اهداف عمده ی مدیریت کلاس شامل موارد زیر است:

الف) برنامه ریزی درسی بر پایه ی آمیزه ای از تنوع و هدف

ب) ارائه ی دستورالعمل های شفاف به دانش آموزان در مورد فعالیت های درسی

ج) هدایت و نظارت بر یادگیری و فعالیت های دانش آموزان

د) به کارگیری ابزارهای آموزشی و منابع یادگیری و تدریس

ه) حرکت منطقی از یک مرحله ی تدریس به مرحله ی دیگر

و) زمان بندی فعالیت های کلاس و ایجاد توازن در آن ها

ز) شروع و خاتمه ی هدفمند درس

معلمان با بررسی هدف ها و مؤلفه های مدیریت کلاس درس، تأمل در مورد کلاس های خود، بازدید از کلاس های دیگر همکاران و گفت و گو با کارشناسان، نگرشی همه جانبه در مورد مدیریت کلاس پیدا می کنند.

پس دیده می‌شود اصطلاح مدیریت کلاس با اصطلاح نظم و انضباط معادل نبوده و مدیریت کلاس را می‌توان مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی دانست که معلم برای اطمینان یافتن از اثربخشی و کارایی یادگیری در کلاس انجام می‌دهد معلمانی که در امر مدیریت کلاس موفق هستند نظم و انضباط را در جایگاه مناسب آن در کل صحنه‌ی آموزش قرار می‌دهند. با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مدیریت کلاس معلم نه‌تنها امیدوار است که میزان یادگیری دانش‌آموزان فزونی یابد، بلکه هم‌چنین به‌آن کمک می‌کند که متوجه‌ی رفتار خود باشند و آن‌را اصلاح نمایند (صیامی، ۱۳۸۰).

## اصول مدیریت کلاس

از مهمترین اصول کلاس داری، کارآیی و جامع الاطراف بودن معلم است. معلم کاراً معلمی است که بر مطالب درسی تسلط دارد، کارها و اعمال او سازمان یافته و منظم و دارای اعتماد به نفس است، به دانش آموزان نیز اعتماد می کند و شکیباست. به تعبیری دیگر، نخستین پیش درآمد برای اعمال مدیریت بر کلاس و ایجاد شرایط بهینه برای یادگیری این است که معلم فردی کاراً باشد تا از مهارت های مدیریت کلاس درس بهره گیرد. جامع الاطراف بودن معلم، دومین پیش درآمد برای اعمال مدیریت بر کلاس است.

معلمان سه گونه اند:

۱. توضیح دهنده / ۲. مشارکت دهنده / ۳. توانمندساز

معلم توضیح دهنده بر موضوع درس تسلط دارد، اما آگاهی او از روش تدریس اندک است. تدریس او بر محور سخن رانی و توضیح استوار است و برخی دانش آموزان با او همراه هستند. معلم مشارکت دهنده بر موضوع درس تسلط دارد و افزون بر آن، با روش تدریس نیز آشناست. چنین معلمی می کوشد تا از فعالیت های جالب بهره گیرد، دانش آموزان را در کارها مشارکت دهد، و در عین حال مدیریت صحیحی را در کلاس اعمال کند. معلم توانمندساز در مرحله ی عالی حرفه ای قرار دارد. او نه فقط موضوع درس و روش تدریس را به خوبی می شناسد، بلکه به تفکرات و احساسات دانش آموزان نیز توجه دارد. چنین معلمی اعتماد به نفس بالایی دارد، به حدی که دانش آموزان را در مدیریت کلاس درس سهیم می کند یا این که کلاس درس را یکسره به آنان می سپارد و خود راهنما می شود، با گفت و گو و مشورت با دانش آموزان تصمیم می گیرد تا در آنان توان یادگیری را عملی سازد. (بابالویان و همکاران، ۱۳۹۴).

## مهارت های مدیریت کلاس

مدیریت کلاس بر دو مهارت به هم پیوسته و اساسی استوار است: ۱. تصمیم گیری و ۲. اقدام تصمیم گیری یعنی، چه اقدامی را چگونه، چه وقت، و به وسیله ی چه کسی باید انجام داد. اقدام یعنی، عملی که در کلاس درس تحقق می پذیرد. مانند تأکید بر نکته های تدریس، استفاده از تخته سیاه و... از این رو، مهارت های اساسی و ضروری برای مدیریت کلاس درس، به منزله ی اتخاذ تصمیم مناسب و تبدیل آن به اقدامی مؤثر است. مدیریت کلاس درس زری نیست که معلمان از نخستین روز تدریس بر تن کنند و خود را در برابر مشکلات کلاس و چالش ها ایمن سازند، بلکه مهارتی است که هر روز با تجربه و تأمل و دقت معلم در کلاس کامل می شود و معلم را در امر تدریس کارآمدتر می سازد (سرمد، ۱۳۷۶).

## روش های مدیریت کلاس

انتخاب روش صحیح مدیریت کلاس درس و سازمان دهی آن، از علائم موفقیت معلم به شمار می آید. انتخاب هرگونه شیوه ی مدیریتی، به سبک تدریس و هدف های معلم بستگی دارد. معلمان با به کارگیری روش مدیریت مناسب کلاس درس خود می توانند، در پرورش مهارت های اجتماعی، خلاقیت ها و توانایی های دانش آموزان نقش مهمی داشته باشند و مشکلات انضباطی کمتری در کلاس خود مشاهده کنند. اداره کردن چنین محیطی، نیازمند تصمیمات آنی و اقدامات سریع و مداوم است و به مهارت های خاص مدیریتی و گاهی تلفیق از چند روش مدیریتی نیاز دارد. در این جا سه روش مدیریت کلاس درس ارائه می شود (هرگنهان والسون، ۱۳۸۷).

**۱. روش رفتارگرایانه:** رویکرد رفتارگرایانه به این نکته تأکید دارد که معلم باید تصمیمی اتخاذ کند تا در کلاس درس او مشکلی به وجود نیاید. از آغاز سال تحصیلی، معلم موظف است قوانین و مقررات کلاس درس را وضع کند. دانش آموزان نیز موظف اند آن قوانین را اجرا کنند. فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتارهای مطلوب و پس گرفتن امتیاز در صورت بروز رفتارهای غیرمطلوب، در این روش مؤثر است. اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و معلم در وضع و حفظ مقررات کلاس، از این اقتدار بهره می جوید.

**۲. روش تعامل گرایانه:** در این روش، مشکلات کلاس پیامد طبیعی حضور دانش آموزان تلقی می شود، غیرمنتظره به نظر نمی رسد و مانند فعالیت های حل مسئله در کلاس، مورد توجه قرار می گیرد و حل و فصل می شود.

**۳. روش غیرمداخله جویانه:** این روش حد وسط دو روش رفتارگرایانه و تعامل گرایانه است. مداخله ی معلم در حل مشکلات کلاس بسیار اندک است. هدف اصلی در این روش، ارتقای رشد فردی دانش آموزان و آزادی آنان است. معلمان در این روش با دانش آموزان خود رابطه ی مشاوره ای دارند و معلم در فعالیت های کلاس نقشی حمایتی از دانش آموز دارد. این روش حداقل اقتدار را برای معلم در نظر می گیرد و به جای آن، بیش تر به تقویت روابط میان معلم و دانش آموز تأکید دارد. به طور کلی نمی توان گفت کدام روش کارآمدتر یا فاقد کارایی است. روشی برای معلم کارآمد است که بهترین نتیجه را در کلاس درس او داشته باشد. بنابراین معلم باید روش های متعدد را در کلاس خود بیازماید و کارآمدترین را انتخاب کند. البته

به صراحت می توان گفت، شمار معلمانی که از نظر سبک یکی از روش های مدیریت رفتارگرایانه یا تعامل گرایانه یا غیرمداخله جو را اعمال می کنند، اندک است. اکثر معلمان بدون این که از روش مدیریت کلاس درس خود آگاه باشند، ترکیبی از سه نوع مدیریت را مورد استفاده قرار می دهند. این معلمان روش مدیریت صحیح و علمی و استاندارد را در هر لحظه از زمان تدریس خود به کار می گیرند و کلاس درس آن ها همیشه فعال و زنده و پر از نشاط و انگیزه ی یادگیری است (هرگنهان والسون، ۱۳۸۷).

## اهمیت و ضرورت مدیریت و انضباط کلاس

بدون شک به منظور تدریس و نیل به اهداف آموزش و پرورش، وجود شرایطی لازم می باشد، از جمله این شرایط می توان به نظم حاکم بر کلاس به عنوان فاکتوری مهم اشاره نمود، زیرا کلاسی که در آن اولین گام یادگیری (یعنی نظم و انضباط و مشارکت در فعالیت و جلب توجه فعال شاگردان) اعمال نگردد، به یقین نتایج مطلوبی نخواهد داشت. روش های کلاس داری و نظم کلاس در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانش آموزان بسیار موثر می باشد (جوینس، ۱۳۷۶). اهداف می توانند به وسیله روش ها تحت تاثیر قرار گیرند. بنابراین اعمال روش های درست تدریس و سبک های مناسب مدیریت با توجه به شرایط کلاس، امکانات آموزشگاه، توانایی معلم و نوع کتاب و محتوای درسی، متفاوت می باشد.

عوامل موثر بر مدیریت کلاس را در سه قسمت به شرح زیر طبقه بندی می نمایم:

الف: ویژگی های شخصیت معلم؛

ب: روش های تدریس معلم؛

ج: استفاده از فنون تدریس.

**الف) ویژگی های شخصیتی معلم:** بدون شک شخصیت و یا ویژگی های شخصیتی معلم، یکی از عوامل بسیار مهم در نظم دهی کلاس می باشد. معلمی که ظاهراً آراسته می باشد، مثبت نگر و خوش اخلاق است به توانایی های ذهنی، جسمی، عاطفی و تفاوت های فردی شاگردان آگاهی دارد، شرایط فیزیکی کلاس را از قبل آماده می سازد، مهارت ارزشیابی و پرسش کردن را میداند، دانش آموزان را دوست دارد و به کارش علاقه نشان می دهد، با ایمان، راستگو، صادق و خوش بیان می باشد و در کارش مسلط است و با معلمی که این ویژگیها را ندارد، مسلماً بسیار متفاوت است بنابر این معلمین باید این صفت را در خود آشکار نمایند و در تمهیدات اشتغال به حرفه ی مقدس معلمی، این ویژگی ها را در خود متبلور سازند.

**ب) روش های تدریس:** بسیاری از دانشجو معلمینی که در کلاسهای دانشگاه یا مراکز تربیت معلم، دائم این جمله را بیان می دارند که " این روش تدریس را نمیتوان در کلاس ها به کار برد " دلیل گفتن این جمله اعتراضی این است که دانشجویان معلمی، هنوز آگاهی ندارند که هر روش تدریس کارایی خاص خود دارد و از یک روش تدریس نمی توان برای آموزش همه دروس و یا در همه کلاس ها استفاده نمود. همچنین بعضی اذعان می دارند که اجرای بعضی از روش های تدریس، باعث شلوغی و بی نظمی کلاس می گردد. در توضیح این مطالب شایان ذکر است که یک معلم باید با توجه به شرایط کلاسی- امکانات و تجهیزات- توانایی های خود و شاگردان و محتوای کتب درسی یک روش مناسب انتخاب نماید و در صورتی که روش تدریس معلم مناسب نباشد باعث سردرگمی شاگردان، شلوغی کلاس و اتلاف وقت خواهد شد. بنابر این لازم است که یک معلم نسبت به الگوها، روش ها و راهبردهای فنون تدریس، آگاهی های لازم را داشته باشد تا به موقع و در جای مناسب از هر کدام از روش ها و فنون، با موقعیت بهره مند گردد.

یکی از دلایل عدم استفاده از روش های فعال تدریس توسط معلمان محتوای کتب درسی می باشد. تحلیل محتوای کتب درسی دوره ی دبیرستان نشان می دهد که تنها ۳۷ درصد معیار های روش های تدریس فعال و کتب درسی این دوره اعمال گردیده است. (پیرپایی، ۱۳۸۳) بنابر این ضرورت دارد که یک معلم در طراحی آموزشی تدابیری بیاندیشد تا شاگردان را با مفاهیمی که ارائه گردید آشنا نموده. و امکان بر هم زدن نظم کلاس را از دانش آموزان خاطی سلب نماید، همچنین ضروری است که محتوای کتب درسی با توجه به چگونگی آموزش و اعمال روش های تدریس فعال باز نگری گردد.

ج) فنون تدریس: تدریس به مجموعه اعمالی که معلم برای جلب توجه شاگردان به تدریس اثربخش و کارآمدتر اجرا می‌نماید، گفته می‌شود. آشنایی و آگاهی نسبت به فنون تدریس و اعمال آنها در کلاس درس توسط معلم، باعث می‌شود، وی بدون استفاده از خشونت و تنبیه بدنی، کلاس را مدیریت نموده و نظم را حاکم سازد، از جمله فنون تدریس می‌توان موارد زیر را بر شمرد (قورچیان، ۱۳۷۹):

۱. تدبیر منفی: تدبیر منفی یکی از تکنیک‌های خانواده درمانی است و معلم به منظور ساکت کردن کلاس و یا جلب توجه دانش‌آموزان از آن استفاده می‌نماید بدین صورت که وقتی کلاس شلوغ می‌شود معلم طنین شادی صدای خود را کم کرده و بغض صدایش را افزایش می‌دهد و با این روش به کلاس نظم می‌بخشد.
۲. کم وزیاد کردن تن صدا: به منظور جلب توجه شاگردان و وادار کردن آنها به گوش دادن، معلم باید با صدای یکنواخت صحبت نکند، نوسانات صدای خود را کم و زیاد نماید تا دانش‌آموزان شنونده فعالی شوند.
۳. حرکت‌های معلم: بین حرکت‌های معلم و توجه شاگردان رابطه مستقیم وجود دارد، (شعبانی، ۱۳۸۲) هر چه حرکات هدفمند معلم و حرکت کردن به آخر کلاس و برگشتن و حرکات پایین کلاس معلم بیشتر باشد، معلم بر کلاس مسلط تر خواهد داشت و شاگردان بیشتر به او توجه خواهند کرد و در نتیجه یادگیری بهتر صورت می‌گیرد.
۴. تاکید روی بعضی از مفاهیم و کلمات: "نگاه کنید، دقت کنید"، این کلمات خیلی مهمند و تکرار بعضی افعال و کلمات از جمله نکاتی است که به خاطر تاکید معلم، توجه شاگردان را جلب می‌نماید.
۵. اشارات معلم: بعضی از ایماها و اشارات معلم، باعث دقت بیشتر شاگردان می‌شود؛ حرکات دست، چشم، ابرو، دهان، انگشتان و سر، مشتمل بر این حرکات است.
۶. مکث‌های به موقع و هدفمند: برخی معلمان در حین توضیح دادن و یا سخنرانی با مکث‌های به موقع حواس شاگردان را به مفاهیم جلب می‌نمایند، و سر و صدای دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. و کلاس را اداره می‌نمایند.
۷. تشویق و تمجید دانش‌آموزان: یکی از فنونی که به عنوان ابزاری موثر در اختیار معلمان می‌باشد، تشویق و تمجید است؛ البته تمجید عملکرد شاگردان، با ارزش تر از تشویق آنان است، زیرا تشویق شاگردان باعث به وجود آمدن آموزش و پرورش سودگرایانه می‌گردد. همچنین معلم می‌تواند با توجه به سن دانش‌آموزان از تقویت پته ای نیز بهره‌بردارد. ویا از کارتهای تلاش، امتیاز و کارت جایزه بدین منظور استفاده نماید. استفاده ی فاصله ای و نسبی متناوب از این ابزار، اثر بخشی آن را ارتقا می‌بخشد.
۸. نگاه‌های معنی دار: گاهی نگاه‌های معنی دار معلم به دانش‌آموزی که به درس توجه ندارد و یا سروصدا می‌کند، باعث کاهش رفتار نا به جای او می‌گردد. همچنین با عصبانیت نگاه کردن به دانش‌آموزانی که برای کلاس مزاحمت ایجاد کرده اند؛ باعث می‌شود دانش‌آموز وادار شود به درس‌های معلم گوش دهد.
۹. ضربه زدن به میز و صندلی: گاهی معلم با ضربه زدن به میز یا تابلوی کلاس، توجه شاگردان به مطالب و مفاهیمی که ارائه می‌شود جلب می‌کند.
۱۰. تدوین قانون و مقررات کلاس: تدوین قوانین کلاسی و تشریح آن برای دانش‌آموزان و آگاهی دادن به آنها باعث ایجاد نگرش می‌گردد و در نهایت موجب عملکرد مثبت فردی و گروهی می‌شود. لذا معلمان باید در تدوین مقررات کلاس به خصوص در روزهای اول دقت کافی داشته باشند.

از زمانی که تعلیم و تربیت به وجود آمده است، معلمان به رفتار دانش‌آموزان توجه داشته‌اند. حتی سقراط شکایت داشت که دانشجویان او "عاشق تجمند"، رفتارهای بدی دارند و به اولیای خود بی‌احترامی می‌کنند.

این نگرانی فزاینده وجود دارد که رفتارهای نامناسب دانش آموزان امروز، به مراتب بیش تر و شدیدتر از گذشتگان باشد، ولی شواهد اندکی برای اثبات این نظریه وجود دارد. کارشناسان گوناگون نظریات متفاوتی درباره اداره کلاس مطرح کرده اند، ولی بهترین شواهد را باید از مشاهده مستقیم کار معلمان در سازماندهی محیط کلاس به دست آورد. در سال های اخیر، اصطلاح "مدیریت کلاس" عمدتاً به نوعی روش رفتاری برای هدایت رفتار کلاس اشاره داشته است. این هشت اصل در زمینه مدیریت کلاس می توانند مفید باشند:

۱. امکان فعالیت های یادگیری معنادار را فراهم سازید. رمز پیشگیری از بروز مشکلات در کلاس، داشتن فعالیت های با معنا و چالشگرانه است. وقتی دانش آموزان به کار خویش علاقه مند باشند، بی نظمی در کلاس کمتر می شود و زمانی که اطلاعات درسی برای دانش آموزان با معنا باشد، یادگیری تقویت می شود. یک عامل مهم برای پیدا کردن فعالیت های با معنا، اطلاعات شما از دانش آموزان، علاقه ها، روش فکری و میزان آمادگی آنان است.
۲. کلاس را به محیط حمایت کننده تبدیل کنید. یادگیری و رشد، خود به خود اتفاق نمی افتد و به این منظور لازم است به نیازهای دانش آموزان پاسخ داده شود. کلاس باید محیطی باشد که در آن، به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام به نفس در حد اعلا می ممکن پاسخ داده شود. آشکار است که معلم نمی تواند جایگزین پدر و مادر شود و سرپرستی و عشقی را که کودک نیاز دارد، برای او فراهم کند، ولی مسلماً می تواند امنیت دانش آموز را در کلاس تضمین کند و با تحسین صادقانه او، نقشی تسهیل کننده ایفا کند.
۳. برای یادگیری موفقیت آمیز، فرصت های لازم را فراهم آورید. این گفته قدیمی که "موفقیت، موفقیت می آورد" در کلاس درس، کم تر از سایر جاها صادق نیست. همه دانش آموزان باید امکان تجربه موفقیت را در کلاس داشته باشند. این تجربه ممکن است از سهیم شدن در کارها تا پیشرفت در درسی خاص تغییر کند. معنای موفقیت تنها پیروزی در رقابت با دیگران نیست. پیشرفت فرد در انجام کارهای خود، منبع مهم کسب موفقیت است. معلمان موفق، فعالیت هایی را برنامه ریزی می کنند که ضمن کارآمد بودن، احتمال موفقیت در آن ها زیاد باشد.
۴. به دانش آموزان کمک کنید، هدف های مربوط به اصلاح خود را تعریف کنند. هدف هایی که دانش آموزان انتخاب می کنند، در رفتار موفقیت آمیز آنان تأثیر دارد؛ یعنی احتمال بروز رفتارهای سازنده از دانش آموزانی که هدف های مربوط به اصلاح خود را دنبال می کنند، بسیار بیش تر از آن هایی است که فقط در پی هدف های عملی کلاس هستند.
۵. درباره نتایج کارها، اطلاعات لازم را در اختیار دانش آموزان بگذارید. گفتن نتایج کارها توسط معلمان، با موفقیت دانش آموزان رابطه نزدیک دارد. اگر آن ها به بچه ها، کارهای خوبشان و معیارهای خوب انجام دادن کارها را توضیح دهند، یادگیری دانش آموزان استمرار پیدا می کند و امکان بروز رفتارهای بد کاهش می یابد. به علاوه، این کار سبب می شود که آن ها درباره خود در رابطه با کارهایشان دوری کنند و کارهایشان را تحلیل کنند.
۶. دانش آموزان را در تصمیم گیری شرکت دهید. دانش آموزان نیاز دارند که احساس کنند در مورد کارهایی که انجام می دهند، مختارند. اگر مدیریت کلاس ضعیف باشد، آن ها احساس می کنند که در مورد یادگیری خود اختیار ندارند. در این صورت، آن ها آنچه را معلم می خواهد انجام می دهند و انگیزه شان برای ادامه کار کاهش می یابد. معلمان موفق به دانش آموزان خویش اجازه می دهند که نقش مهمی را در تعیین تجربه های یادگیری ایفا کنند. آن ها اغلب به دانش آموزان اجازه می دهند که درباره موضوع، زمان و نحوه یادگیری تصمیم بگیرند. مشارکت دانش آموزان سبب می شود که احساس کنند، بر اوضاع مسلط هستند. در نتیجه، انگیزه آن ها افزایش و امکان بد رفتاری شان کاهش می یابد.
۷. برای روزهای "بد" برنامه ریزی کنید. گاهی موفق ترین معلمان نیز با وجود برنامه ریزی، از تدریس باز می مانند. از جمله رویدادهایی مثل بیماری، مشکلات خانوادگی و... برای آن ها به وجود می آید. در این صورت، با یک پیش برنامه کلی و با معنا برای مواقع اضطراری، می توان دانش آموزان را کاملاً مشغول کرد.

۸. رفتارهای مناسب را تقویت کنید. دانش آموزان نمی‌توانند در یک زمان، هم مسأله ریاضی حل کنند و هم با یکدیگر صحبت کنند. در این جا حل مسأله، رفتار مناسب و صحبت کردن، رفتار نامناسب است. وقتی رفتار نامناسب به ندرت اتفاق می‌افتد. این روزها با یکدیگر در تقابل هستند و در یک زمان تنها یکی از آن‌ها را می‌توان انجام داد. پس با تقویت رفتار مناسب می‌توان از بروز رفتار نامناسب جلوگیری کرد. معیار مدیریت موفق در کلاس، پرهیز از مشکلات است، نه صرفاً برخورد با رفتارهای نامناسب.

امروزه با وجود ایجاد تغییرات عمیق در نظام آموزش و پرورش و تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، بعضی از معلمان در رویارویی با مسائل و مشکلات آموزشی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و از روش‌های قدیم و مهارت‌های سنتی و انفرادی برای اداره‌ی کلاس خود استفاده‌کنند. همین امر باعث‌کنندگی شکل‌گیری فرایند یاددهی-یادگیری و آسیب‌پذیری امر آموزش شده است.

تحقیقات بی‌شمار نشان داده‌اند، بعضی از مشکلات اخلاقی و اجتماعی نوجوانان ما حاکی از جذاب نبودن محیط مدرسه و کلاس درس و کشمکش‌های این‌گونه دانش‌آموزان با معلمان و در نتیجه افت تحصیلی آنان بوده است. لذا وجود مدیریت کارآمد معلمان و ایجاد شرایط لازم برای تسهیل در امر یادگیری در کلاس درس که مطابق نیازها و ویژگی‌های فراگیران باشد، لازمه‌ی جامعه‌ی امروزی و راه‌گشای بسیاری از مشکلات نوجوانان است.

معلم موفق کسی است که کلاس درس را به گونه‌ای آماده‌سازد تا پاسخ‌گوی تمامی چالش‌ها در طول تدریس باشد. معلم باید توانایی‌های خود را بشناسد، روش تدریس خود را ارزیابی کند و اگر روش‌ها قدیمی و کهنه باشند روش پویا و زنده‌ای را پیش‌گیرد تا روحیه‌ی خلاقیت و نوآوری را در نهاد دانش‌آموزان شکوفا سازد. او باید روش‌های برخورد با مشکلات درس را بشناسد و راهبردی را اتخاذ کند که فرایند یاددهی-یادگیری را مختل نسازد و مشکلات جزئی کلاس او، به مشکلات کلی و وخیم تبدیل نشود. هم‌چنین باید رفتاری داشته‌باشد که دانش‌آموختگان کلاس درس او، مسائل آموزشی و مشکلات رفتاری خود را در محیطی آرام و سرشار از محبت و غیر تهدیدآمیز حل‌کنند.

به گفته‌ی ایرنزی، برخی از معلمان در هنر معلمی استعداد بیش‌تری دارند؛ اگرچه ممکن است ضرورتاً در علم معلمی استعداد خوبی نداشته‌باشند. این گروه از معلمان می‌توانند، فضای کلاس را به صورتی ماهرانه برای یادگیری، مساعد و دل‌انگیز کنند و مسائل و مشکلات انضباطی آن را به حداقل برسانند.

معلمان، علاوه بر کسب مهارت‌های مربوط به هنر معلمی، یعنی تسلط بر کلاس و داشتن مهارت‌های آموزشی باید واکنش‌ها و راهبردهای معین دیگری را نیز برای اداره‌ی کلاس درس یاد بگیرند.

مطالعات متعدد نشان داده است، معلم کارآمد و فعال معلمی است که می‌تواند براساس توانایی خود، به هدف‌های مورد نظر یادگیری و نیز دو مهارت زیر دست یابد: ۱. مدیریت اداره‌ی کلاس و ۲. تدریس کارآ

## رفتار معلم در کلاس

یکی از ارکان مهم آموزش و تدریس، ایجاد فضایی سالم و مناسب برای یادگیری و آموختن است. ذهن، روان و رفتار کودکان و نوجوانان نسبت به سال‌های گذشته دچار تحولات و دگرگونی‌های بی‌شماری شده است. دانش‌آموزان، آموزگاران را ترجیح می‌دهند که به شخصیت آنها احترام گذارند، به جای تنبیه آنها را تشویق و حمایت کنند، خوب درس بدهند، انگیزه تلاش و پیشرفت را در آنها زنده نگه‌دارند، ارزش‌ها و آرمان‌هایشان را نادیده نگیرند و آنها را در یافتن اهداف صحیح زندگی یاری‌کنند. رابطه معلم - دانش‌آموز رابطه‌ی ظریف و شکننده است، تا حدی که شکیبایی و بردباری بیشتر آموزگاران و معلمان را می‌طلبد. گاهی وضعیتی بر کلاس حاکم می‌شود که احتیاج به مهارت، تسلط و مدیریت آموزگار بر رفتارها و واکنش‌های هیجانی - احساسی دانش‌آموزان دارد. بدخلقی‌های روزانه، اختلاف‌ها و تعارض‌های بین‌بچه‌ها، بحران‌های لحظه‌ی کلاس و... نیازمند توان بالای تصمیم‌گیری آموزگار است. تحقیقات نشان می‌دهد ارتباط مستقیمی بین اعتماد به نفس آموزگار برای ایجاد رابطه‌ی فعال و پویا با دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی کلاس وجود دارد. آموزگاران که می‌دانند چه هدفی را



دنبال می کنند و با چه شیوه یی قصد دارند برنامه های آموزشی خود را دنبال کنند، با آمادگی بیشتری درس و کلاس خود را اداره می کنند.

باید ادعان کرد مشکلات آموزشی به یکباره و ناگهان به وجود نمی آید، بلکه همیشه عوامل گوناگون و متنوعی زمینه ساز آن است. خانواده، دوستان، مدرسه، اجتماع و... تاثیرات عمده یی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان می گذارد که گاه آنها را از روند آموزش دور می سازد. در دنیای پرمساله یی که ما زندگی می کنیم، کودکان و نوجوانان نمی توانند مشکلات شخصی شان را (حتی آنها یی را که ارتباطی هم به درس و مدرسه ندارد)، پشت در کلاس جا بگذارند و پس از بازگشت از مدرسه، آنها را با خود به همراه ببرند. برای آنکه بچه ها از مدرسه، کلاس و درس لذت ببرند، استعدادهایشان شکوفا شود و تبدیل به افرادی سرزنده و پویا شوند، باید به تمامی نیازهای عاطفی، عقلانی، جسمانی و اجتماعی آنان توجه شود. تعامل و ارتباط بین معلم و شاگرد و شاگرد و شاگرد بخش مهمی از فرآیند آموزش و یادگیری است. هرچه آموزگاران به اهمیت این تعامل اجتماعی بیشتر پی ببرند، بهتر می توانند محیطی مساعد برای تدریس خود به وجود آورند. رفتارها و پاسخ های آموزگاران، مربیان و مشاوران مدرسه می تواند جوی از تفاهم و توافق یا خودسری و مشاجره در بین کلاس و دانش آموزان پدید آورد.

### الف - انتقادهای آموزگار:

انتقادها، بهانه جویی ها و حرف های نیش دار آموزگاران تنها حس تنفر و انزجار را در دانش آموزان ایجاد می کند و موجب کاهش پیشرفت و ضعف عملکرد و راندمان کلاس می شود. اگر دانش آموزی قدری بی نظم، اخلاک گر و کند است، طعنه و سرزنش آموزگار نمی تواند تغییری در رفتار او به وجود آورد. معمولاً زمانی که بچه ها در فهم درسی مشکل دارند، بدرفتار و سهل انگار می شوند و از ادامه یادگیری سر باز می زنند. آن ها از اینکه از آموزگارش کمک بخواهند، می ترسند، زیرا احساس می کنند یا آموزگار آنها را توبیخ می کند یا انگشت نما و مسخره دیگر بچه ها می شوند. این در حالی است که آموزگار می تواند با برقراری روابط صحیح و تذکرات مرتب به دانش آموزان، رفتاری پیشه کند که جو تفاهم و دوستی را در کلاس برقرار سازد. زمانی که احترام و جایگاه واقعی آموزگاران و دانش آموزان در کلاس حفظ شود، اعتماد به نفس، خودپنداره و تصویر ذهنی بچه ها از خودشان تقویت می شود.

کودکان دبستانی و گاه نوجوانان دبیرستانی، کمتر به استعدادها و توانایی های درونی شان اطمینان دارند. کمترین جملاتی که هوش و ذکاوت آنها را مورد حمله قرار دهد (به خصوص توسط آموزگاران و معلمان) کافی است که انگیزه تلاش و پیشرفت را در آنها از بین ببرد و احساس بی ارزشی و ناتوانی را در آنها جایگزین سازد. بسیاری از مسائل آموزش و پرورش ریشه در روابط حاکم بر معلم و دانش آموز دارد. برای اصلاح و بهبود بخشیدن این روابط، باید تغییرات عمده یی در این زمینه صورت گیرد. زمانی که آموزگار از دانش آموز می خواهد کاری انجام دهد، اگر لحن کلامش انتقادی و سرزنش آمیز باشد، نتیجه آن مقاومت و ستیزه جویی کودک (یا نوجوان) خواهد بود. اما اگر لحنی سازنده و غیرانتقادی داشته باشد، روحیه همکاری و مشارکت را در بین دانش آموزان تقویت خواهد کرد. خوب است معلمان و آموزگاران نسبت به رفتارهای خود هوشیار و حساس باشند و آگاهانه از برانگیختن پاسخ های دفاعی شاگردان بپرهیزند (رگ، ۱۳۸۲).

### ب - خشم آموزگار

زمانی که آموزگاری عصبانی می شود، در فرآیند تدریس او اخلاص به وجود می آید. او باید سعی کند خشمش را به گونه یی ابراز کند که به کسی لطمه یی (چه جسمی و چه روانی) نزند. او باید ضمن اشاره به مشکل درصدد حل وضعیت حاکم بر کلاس باشد. بد و بیراه گفتن، حمله به شخصیت بچه ها، سر و صدا راه انداختن و رفتارهای تکانشی - هیجانی محض، هیچ گاه نمی تواند کلید برتری معلم در کلاس درس باشد. یکی از استرس ها و اضطراب های حرفه یی آموزگاران اداره و کنترل کلاس و داشتن رابطه یی پویا و فعال با دانش آموزان است. در مواردی بعضی از دانش آموزان می توانند به تنهایی مشکلاتی برای آموزگاران شان به وجود آورند که حتی باتجربه ترین معلمان هم از کنترل و اداره آن ناتوانند. گاهی حضور یک دانش آموز

خاطی و اخلاکگر می تواند تاثیر زیادی روی عملکرد آموزگار بر تک تک دانش آموزان گذارد. همان طور که نمی توانیم عکس العمل ها و رفتارهای آموزگاران را بدون در نظر گرفتن رفتار دانش آموزان تبیین کنیم، همان طور هم نمی توانیم رفتار دانش آموزان را بدون در نظر گرفتن رفتار آموزگاران درک کنیم. آموزگاران که برای کنترل کلاس دست به تهدید و ارباب دانش آموزان می زنند، گاهی متوجه می شوند بچه ها آنها را به عملی کردن این تهدیدها ترغیب می کنند، تا بتوانند موقعیت شغلی آنها را به مخاطره اندازند. درحالی که از این گروه از معلمان باید پرسید: «آیا واقعاً خواستار رابطه بی رعب انگیز بین خود و دانش آموزان هستند و آیا تنها با ترساندن بچه ها می توانند آنها را به درس خواندن تشویق کنند؟»

دانش آموزان زمانی که آموزگارشان عصبانی است، به رفتار او و آنچه او می گوید، خوب توجه دارند. گاهی بدخویی و رفتار تند معلم، اشارات و حرکات او موجب رنجش، احساس خواری و سرافکندگی دانش آموزان و به دنبال آن نادیده گرفتن اصول اولیه بهداشت روانی کلاس می شود. دانش آموزان به معلمان شان وابسته اند. اگر معلمان نسبت به بچه ها از خود احترام نشان دهند و به عزت نفس و حس ارزشمندی آنها لطمه نزنند، طبیعی است که بچه ها نیز کمتر دست به مقاومت، خودسری و بدرفتاری خواهند زد. رفتارهای مودبانه و حرفه ای آموزگار می تواند مانع از تخلف های انضباطی دانش آموزان شود. اگر آموزگار اجازه دهد بچه های کلاس به سادگی او را خشمناک و عصبانی کنند، خیلی زود کنترل و تسلط خود را بر کلاس از دست خواهد داد(رگ، ۱۳۸۲).

### ج- تشویق های آموزگار

تشویق باید تایید کننده عمل دانش آموز باشد نه وجود و شخصیت او. زیرا کودک یا نوجوان تصور می کند اگر آن خصوصیت و ویژگی را نداشته باشد، دیگر مورد ارزش و احترام نیست. برای مثال، زمانی که دانش آموز از درسی نمره عالی و خوبی می گیرد، اگر او را به دلیل نمره اش تشویق کنند، او فکر خواهد کرد که اگر بار دوم نمره پایینی بگیرد، دیگر مورد لطف و تمجید کسی واقع نخواهد شد، در حالی که اگر او را برای تلاش و کوششی که به خرج داده است، مورد تشویق قرار دهند، او سعی می کند با تلاشی بیشتر بار دیگر هم نمره رضایت بخشی بگیرد. در حقیقت تشویقی که شخصیت او را ارزیابی نمی کند، احساس امنیت، آرامش و انگیزه بیشتر در او ایجاد می کند.

رفتارهای شایسته و مطلوب دانش آموزان را همواره مدنظر داشته باشید، زیرا رفتارهای آینده آنان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. در بعضی شرایط شناخت رفتارهای خوب و پسندیده دانش آموزان موجب کاهش رفتارهای نامطلوب و نامناسب آنها می شود. به هر اندازه که نکات مثبت و ارزشمند اخلاقی - آموزشی دانش آموزان بیشتر مد نظر قرار گیرد، به همان اندازه نیز انگیزه تلاش و پیشرفت در آنها پایدارتر خواهد شد. تشویق نه تنها وسیله ای است که دانش آموز را با رغبت و تمایل به تلاش و پویایی وامی دارد، بلکه موجب تایید و تکرار رفتارهای مطلوب آنان نیز می شود. دانش آموزان زمانی می توانند توانمندی های خود را ارتقا دهند که با استفاده از حمایت های مثبت و داشتن روابط کیفی بالا با مربیان و معلمان شان بتوانند احساس شایستگی و کارآمدی را در خود پرورش دهند.

### د- تنبیه های آموزگار

در کلاسی که نظم و مقررات حاکم باشد، تنبیه و طرد دانش آموز جایی نخواهد داشت. خشونت با دانش آموز هدف و فرآیند یادگیری را مختل می کند. ارزش ها و مفاهیم اخلاقی گوناگون مثل احترام، مسوولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران و... را نمی توان به طور مستقیم به دانش آموزان آموخت، بلکه باید آنها را در موقعیت های عینی و واقعی به بچه ها یاد داد. تهدید و ارباب کودکان (و نوجوانان) نه تنها مانع از بدرفتاری آنها نمی شود، بلکه تنها زمینه ای برای مخفی کاری او ایجاد می کند. از طرف دیگر، وقتی دانش آموز به دلیل رفتار نامناسبش با شدت عمل روبه رو می شود، کمتر به رفتار خود و خطایش فکر می کند و بیشتر متوجه نحوه خشم و عصبانیت آموزگار می شود.

هنگامی که از دانش آموزی می پرسند؛ «چرا سر کلاس بد رفتاری می کنی؟» او پاسخ می دهد؛ «معلم ما اصلاً بد اخلاق است.» از آنجایی که کودکان هنوز به خصیصه خودمحوری خود پایبندند، هیچ گاه خود را مورد سوال قرار نمی دهند، بلکه رفتار و واکنش آموزگارش را علت اصلی اختلاف معرفی می کنند. از این رو بهتر است برای تغییر رفتارهای منفی دانش آموزان، رفتارهای مثبت و سازنده آنان تشویق و تقویت شود. با به کار بردن این شیوه، رفتارهای نامناسب بچه ها به تدریج کاهش می یابد و رفتارهای مطلوب جایگزین آنها می شود. برای برقراری نظم و انضباط آگاهانه در کلاس و اجرای مقررات، بهترین شیوه حمایت، تشویق، توجه، بردباری و تمرکز بر رفتارهای پسندیده دانش آموزان است.

آموزگاران باید پیش از آغاز سال تحصیلی برای برقراری نظم و انضباط در کلاس شان، مقررات و قوانین ساده و شفافی تدوین کنند تا بدین وسیله دانش آموزان را با خواسته ها، انتظارات و اهداف خود آشنا سازند. زمانی که کلاسی به نحو مطلوب اداره و مدیریت شود، شرایطی به وجود می آید که دانش آموزان مشکلات انضباطی کمتری داشته باشند. داشتن روابطی منفی با شاگردان موجب می شود آنها اصول انضباطی کلاس را مستبدانه و خشک بدانند و برای اجرای آنها از خود مقاومت نشان دهند، در حالی که داشتن روابطی مثبت به آنها کمک می کند تا هدف اصلی از انضباط را سازندگی و پیشرفت در کار بدانند (رگ، ۱۳۸۲). تادیب دانش آموز باید با خونسردی انجام شود تا دانش آموز را متوجه رفتار اشتباهش کند. رفتار صحیح و شایسته آموزگار، آهنگ صدا، ثبات و عدالت او می تواند بهترین الگوی تربیتی دانش آموزان باشد. یکی از روش های کنترل هیجانات منفی دانش آموزان در کلاس، تماس ها و ارتباطات چشمی، نگاه های اجمالی، خیره شدن و روش های غیرکلامی آموزگار است. از این طریق می توان خیلی ساده و راحت رفتار خلاف کودک (یا نوجوان) را بدون اینکه مزاحمت و اغتشاشی برای بقیه دانش آموزان کلاس ایجاد شود، متوقف کرد.

در حقیقت، هدف از پرورش کودکان و نوجوانان باید تغییر رفتار های آنان در جهت اعتلای توانایی ها، استعدادها و ویژگی های مثبت و سازنده آنان باشد.

### تأثیر و وضعیت ظاهری معلم بر فراگیران

آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال مییابد تنها معلومات و مهارتهای معلّم نیست بلکه تمام صفات، خلقیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می شود. رابطه دانش آموز با معلّم یک رابطه باطنی و معنوی است دانش آموز و یا دانشجو معلّم را شخصیتی محترم و ممتاز میدانند که او را در بزرگ شدن و به استقلال و آزادی رسیدن، و به عضویت رسمی جامعه در آمدن، کمک و مساعدت می نماید.

معلّم با روح و جان دانش آموز و یا دانشجو سروکار دارد و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می شود. دانش آموز اگر چه قبلاً در محیط خانواده علوم و اطلاعات فراوانی را کسب کرده رفتارهایی را آموخته و به اموری عادت کرده و تا حدودی شخصیت او شکل گرفته است ولی هنوز شکل ثابت به خود نگرفته و تا حد زیادی قابل انعطاف و تغییر میباشد. کودک و نوجوان در این سنین از محیط خانواده خارج می شود و به طور رسمی در اجتماعی جدید یعنی مدرسه و یا دانشگاه پذیرفته می شود (عباسی وهمکاران، ۱۳۹۵).

دانش آموز در این اجتماع جدید فرصت می یابد تا افکار و اندوختههای دینی و رفتار و عادت های گذشته اش را مورد بازنگری قرار دهد و شخصیت خویش را بسازد و تکمیل و تثبیت نماید.

با نفوذترین و محبوب ترین فردی که می تواند در این مرحله حساس او را یاری کند معلّم است به همین جهت دانش آموزان و یا دانشجویان معلّم و استاد خود را به عنوان یک الگو و اسوه می پذیرند و از رفتار و گفتار و اخلاق خوب یا بد او سرمشق می گیرند و خود را با وی همسان و همانند می سازند. همچنین دانش آموزان همه اعمال و رفتار معلمان و مدیر و حتی سرایدار مدرسه را زیر نظر دارند، و از آن ها درس می گیرند دانش آموزان از طرز برخورد و تعامل معلمان با مدیر، معلمان با یکدیگر، معلمان با خدمتکاران مدرسه و معلمان با دانش آموزان درس میگیرند. از اخلاق و رفتار معلم، از طرز اداره کلاس، از رعایت عدل و انصاف در نمره دادن، از وقت شناسی و رعایت نظم، از دلسوزی و مهربانی، از خوشرویی و فروتنی، از دینداری و

التزام به ضوابط شرعی، از اخلاق خوش و ادب او، از خیر خواهی و نوع دوستی معلم درس‌های آموزند همچنین از اخلاق و رفتار و کردار او متأثر میشوند و خود را با او همسان می‌سازند.

بنابراین، معلم فقط یک آموزگار نیست بلکه مهم‌تر از آن، یک مربی و یک الگوی با نفوذ است. یک معلم خوب که با رفتار و گفتار پسنیدهایش دانش‌آموزان را خوب پرورش می‌دهد، بزرگترین خدمت را نسبت به اجتماع خود انجام می‌دهد و به عکس یک معلم بد اخلاق و بد رفتار و منحرف که با رفتار بد خود، دانش‌آموزان را به انحراف و تباهی میکشد بزرگترین خیانتها را نسبت به اجتماع مرتکب می‌شود، بنابراین شغل و حرفه معلمی و استادی از حساس‌ترین و مسئولیت‌دارترین شغل‌های اجتماع می‌باشد. معلم و استاد نمی‌تواند نسبت به اخلاق و رفتار خود آزاد و بیتفاوت باشد، زیرا محدوده اخلاقیاتش فراتر از خود اوست. او تنها مسئول خودش نمی‌باشد. بلکه مسئولیت تعدادی از انسان‌های معصوم را نیز به عهده گرفته است. استاد و معلم باید به این مسئولیت سنگین و ارزشمند و میزان و مقدار نفوذش در دانش‌آموزان خوب بیندیشند و با اصلاح و اخلاق و رفتار خویش بهترین الگوها را در اختیار دانش‌آموزان و یا دانشجویان قرار دهند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

دکتر هایم گینانت، وقتی معلم جوانی بوده به این مطالب اشاره میکند: من به نتیجه خوف‌انگیزی رسیده‌ام، من عامل تصمیم‌گیرنده در کلاس هستم و این برخورد شخصی من است که جو خاصی پدید می‌آورد. من به عنوان یک معلم دارای قدرت شگرفی هستم و می‌توانم زندگی یک کودک را تیره و تاریک یا پر از سرور سازم. در تمام موقعیتها این پاسخ من است که اوج یافتن یا فرونشستن یک بحران و انسان شدن و یا وحشی شدن یک کودک را معلم تعیین میکند. بررسیهای علمی نیز نشان می‌دهد که ۳۳ درصد کودکان در هفت سال دوم زندگی دوست دارند همانند معلم خود باشند. از این رو اگر معلم، دانش‌آموزان را به رفتارها، صفات و نگرش‌هایی خاص دعوت کند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

ولی خود در عمل به آن‌ها پایبند نباشند آموزش‌های شفاهی آنان نیز تأثیر نخواهد گذاشت.

در این جا توجه معلمان و اساتید محترم را به چند نکته مهم جلب می‌کنیم:

۱. دانش‌آموزان و دانشجویان، معلمان و اساتیدی را الگوی خود قرار می‌دهند که مقبول و مورد اعتماد آنان باشند. مقبولیت و اعتماد حاصل دو ویژگی است، نخست توانایی علمی قابل قبول به گونه‌ای که بتواند به خوبی از عهده تدریس، درس خود برآید و به پرسشهای نوآموزان پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد و دوم این که، رفتار و گفتارش با یکدیگر هماهنگ و منطبق باشد، به عبارت دیگر نمونه‌های قابل قبول از یک فرد مومن را معرفی کند، بنابراین لازم است معلمان و اساتید، برای ایفای نقش الگوی خود این دو ویژگی را حداقل کسب کنند.
۲. محبوبیت اساتید، معلمان و مربیان، نقشی قاطع و سرنوشت‌ساز، در تأثیر گذاری آنان بر رفتارهای دانش‌آموزان یا دانشجویان دارد.
۳. رفتار الگو در صورتی برای دانش‌آموزان قابل استفاده است که روشن و قابل فهم باشد. بنابراین، در مواردی که رفتاری از الگویی بیان می‌شود یا معلم خود رفتاری انجام میدهد که برای دانش‌آموزان و دانشجویان روشن نیست، و یا ممکن است فهم نادرستی از آن داشته باشد، لازم است معلمان و اساتید محترم رفتار مذکور را برای دانش‌آموختگان توضیح دهند تا دانش‌آموزان و یا دانش‌جویان دچار شک و تردید، سردرگمی نشوند.

### راهبردهای مدیریت موفق کلاس

- حضور به موقع: علت بسیاری از مشکلات کلاس، دیر رسیدن معلم به کلاس یا آماده کردن ابزار و وسایل بعد از استقرار دانش‌آموزان در کلاس است. نحوه ورود معلم در هر جلسه به کلاس هم مهم است بولمر می‌گوید « بیشتر قضاوت افراد ( فراگیران ) متأثر از اولین برخوردها است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳). اگر معلم بانگیزه، بانشاط و صمیمانه وارد کلاس شود اثر مثبت روانی بر فراگیران خواهد داشت اما اگر با حالت کسلی و خستگی وارد شود قطعاً این اثر منفی خواهد بود. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳).

- آمادگی کامل: منظور از آمادگی کامل تنها در امور مهم مثل آمادگی در موضوع درس نیست، بلکه به امور جزئی هم مانند ابزار و وسائل نظر دارد.
- استقرار سریع کلاس برای شروع: همین که معلم و دانش آموزان در کلاس حاضر شوند درس باید سریعاً طبق برنامه آغاز شود.
- تاکید بر همکاری کلاس: باید قبل از شروع کار همکاری کامل از سوی همه وجود داشته باشد. یکی از راه های جلب توجه صدا کردن نام دانش آموزان است.
- استفاده قاطع و موثر از صدا: وسیله ارتباطی میان معلم و دانش آموز صداست. این وسیله باید برای برقراری ارتباط، روشن و واضح به کار رود.
- هشیاری نسبت به وقایع کلاس: معلمین موفق این احساس را در کلاس ایجاد می کنند که در پشت سر هم چشم دارند.
- تجزیه و تحلیل وقایع کلاس: معلم دلایل پنهان رفتار دانش آموزان را هم بشناسد.
- داشتن فنون و روش شناخته شده برای مقابله با بحران ها: موقعیت های بسیاری وجود دارند که بحران های کوچکی ایجاد می کنند و اگر دانش آموزان و معلم هر دو آمادگی داشته و به درستی بدانند چه کاری باید انجام شود می توان این وقایع را به سادگی و بدون تهدید کنترل کلاس رفع کرد.
- بذل توجه مناسب معلم: تحلیلی از تعامل کلاسی نشان می دهد که معلمین مقدار نامتناسبی از وقت خود را صرف افراد یا گروه های خاص می کنند. مثلاً با بچه های باهوشتر دوست تر هستند. معلم با زمان بندی مناسب می تواند رهنمودهای مناسبی به تک تک بچه ها بدهد و کمک کند تا احساس کنند که او مراقب کار آن ها و پیشرفتشان است.
- پرهیز از مقایسه: مقایسه یعنی اینکه به برخی از شاگردان گفته شود که عملکرد آن ها در حد معیارهای دیگران نیست. این کار نه تنها باعث می شود که افراد مورد مقایسه نسبت به معلم دشمنی و رنجش پیدا کنند، بلکه باعث تقسیم کلاس نیز می شود.
- اطمینان از وفای به عهد: اگر معلم قول دهد که به نحوی به یک دانش آموز کمک کند یا کار خاصی را برای کلاس انجام دهد این قول باید قابل اجرا بوده و به آن عمل شود.
- سریع نمره دادن: کاری که به سرعت نمره داده شود و به شاگرد پس داده شود نه تنها به یادگیری آن ها کمک می کند، بلکه به معلم نیز در یادداشت پیشرفت و به رفع اشکالات کمک می کند.
- استفاده خوب از سوال ها: سوالات مقدماتی و متنوع معلم باعث حفظ علاقه شاگردان شده و به تمرکز حواس و توجه آن ها نسبت به معلم کمک می کند.
- فراهم آوردن موقعیت های مناسب برای فعالیت های تجربی: صحبت کردن معلم در ارائه بخشی از درس نباید بیش از یک دقیقه تا یک دقیقه و نیم به ازای هر سال از سن دانش آموزان وقت بگیرد (بسته به توانایی کلاس) همین که این مدت به سر آید باید به شاگردان فرصتی برای کار عملی داده شود.
- هر جا کار عملی وجود دارد وظایف عادی کلاس را به دانش آموزان بسپارید: دانش آموزان خیلی دوست دارند وظایفی را که در کلاس به آن ها واگذار می شود انجام دهند. این کار بیانگر اعتماد معلم به آن ها و جایگاه ایشان به عنوان اعضای با ارزش کلاس می باشد.
- برقراری نظم و ترتیب فیزیکی قابل استفاده در کلاس: معلم باید قبل از شروع کلاس نحوه قرار گرفتن اشیاء را مشاهده کند و مطمئن شود که همه چیز مرتب است.
- چاره جویی برای مشکلات دانش آموزان: اداره خوب کلاس باید فرصت هایی را برای طرح مشکلات دانش آموزان فراهم کند تا در آن دانش آموزان احساس کنند که معلم برای دیدگاه آن ها ارزش قائل است.

- به پایان رساندن درس با موفقیت: علاوه بر اینکه معلم در پایان کلاس باید زمان کافی به دانش آموزان بدهد تا اشکالات خود را رفع کنند و راهنمایی‌ها و کارهای لازم را به آن‌ها ارائه دهد، جدا شدن از کلاس با واژه‌ها یا رفتارهای دوستانه هم اهمیت دارد. ترک خوشایند کلاس درس دارای این فایده است که به دانش آموز متذکر می‌شود که علی‌رغم همه مشکلاتی که در طی کلاس وجود دارد، معلم چندان ناراحت نیست و این روش مفیدی برای ابراز این نکته به دانش آموزان مشکل‌دار است که رفتار آن‌ها تاثیر چندانی نداشته است.

## موانع و مشکلات مدیریت کلاس

در مدیریت کلاس با شرایط اقلیمی، جغرافیایی و شرایط کمی و کیفی و استانداردهای متفاوت و ضوابط موجود و جو کلاس، موانع و مشکلات مدیریتی مختلفی در کلاس ایجاد می‌شود. البته ابتدا باید تعریف روشن از موانع و مشکلات مدیریت کلاس داشته باشیم. منظور ما از مشکلات مدیریتی هرگونه موقعیتی است که محیط یادگیری را مختل می‌کند و یا موجب حواس‌پرتی دانش‌آموزان و یا معلم می‌شود.

صیامی (۱۳۸۰) به نقل از کیندزواتر (۸۹) (۱۹۷۸) منشأ رفتارهایی که معلمان آن‌ها را مشکلات مدیریتی تلقی می‌کنند را خود معلمان، مشکلات عاطفی دانش‌آموزان و رفتارهای غیرعمدی و ناپایدار دانش‌آموزان بیان می‌کند.

فرانسیس (۱۹۷۵) چهار منبع اصطکاک را با عنوان سر و صدا، وسایل، تحرک و پیچ‌پیچ توصیف کرده است. هیچ‌یک از این منابع به‌تنهایی برای اقتدار معلم مشکل مهمی محسوب نمی‌شود ولی چنانچه هر یک از آن‌ها به‌شکلی نادرست اداره شود، می‌تواند از تحریکی جزئی به‌صورت برخوردی مهم ظاهر شود (صباغیان، ۱۳۸۰).

مطالعات نشان می‌دهد که اغلب ۳۰ درصد یا بیشتر زمان آموزشی در هر روز به‌صورت پیش‌بینی شده و یا پیش‌بینی نشده از بین می‌رود و از دست دادن زمان به‌هرعلتی که باشد تأثیر منفی بر پیشرفت علمی فراگیران می‌گذارد و شرایطی را برای مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

وقفه‌های هنگام راهنمایی‌های معلم قبل و بعد از یک بخش آموزشی، دلیل اکثر مشکلات مدیریتی کلاس و از دست دادن فرصت‌هاست. در طول کار روزانه اتفاق‌های پیش‌بینی نشده زیادی روی می‌دهند که این وقایع ممکن است به‌وسیله‌ی دانش‌آموزان، مربیان مدرسه و مشاهده‌کنندگان آغاز شود.

هر کلاسی دارای زنجیره‌ای از خصوصیت‌ها است که در مقایسه با کلاس‌های دیگر و با شخصیت و شیوه‌ی کار معلم فضای مربوط به‌خود را به‌وجود می‌آورد. برخی از ویژگی‌ها را در تمام کلاس‌ها می‌توان یافت و لازم است آن‌ها را در حرفه‌ی معلمی و اداره‌ی کلاس مورد توجه قرار داد. (زمانی، ۱۳۷۹) و (فرانسوا، ۱۳۸۰)، این ویژگی‌ها را چنین توصیف می‌کنند:

- ۱ - کلاس محیطی چند بعدی است.
- ۲ - بسیاری از حوادث کلاس به‌صورت هم‌زمان روی می‌دهد.
- ۳ - حوادث کلاسی نه تنها چند بعدی و هم‌زمان است، بلکه هر کدام از آن‌ها به‌لحظه‌ای خاص مربوط می‌شود. به‌عبارت دیگر اکثر اتفاق‌هایی که با هم در کلاس روی می‌دهد، نیاز به‌عکس‌العمل آئی و لحظه‌ای معلم دارد.
- ۴ - علاوه بر آئی بودن، چند بعدی بودن و هم‌زمان بودن فعالیت‌ها، مهم‌ترین ویژگی هر کلاس این است که جریان فعالیت‌ها در کلاس بسیار غیرقابل پیش‌بینی است. اداره کردن چنین محیطی نیازمند تصمیمات آئی، سریع و مداوم است و به‌مهارت‌های خاص مدیریتی نیاز دارد.

## نتیجه‌گیری

اداره کلاس درس آن چیزی است که معلم انجام می‌دهد تا اطمینان یابد دانش‌آموزان روی تکلیف در دست اجرا هر چه که باشد کار می‌کنند. به‌عبارت دقیق‌تر اداره کلاس درس یعنی: استفاده از فنون ایجاد و حفظ یک محیط سالم و خالی از

مشکلات رفتاری. معلم از طریق اداره صحیح کلاس می تواند رفتارهای مخرب و مزاحم دانش آموزان را اصلاح کند و میزان مشارکت در یادگیری و سطح انگیزش یادگیری آن ها را بالا ببرد.

در سبک های اداره کلاس درس سبک اقتدارگرایانه که معلم و شاگردان حقوق یکدیگر را رعایت می کنند و نسبت به هم احترام متقابل دارند، توصیه می شود. البته سبک های دیگر هم با توجه به شرایط و موقعیت های ویژه کاربرد خاص خود را دارند. (سیف، ۱۳۸۷). به منظور اداره موثر کلاس درس معلم باید با انواع راهبرد های مختلف آموزشی آشنا بوده تا در صورت نیاز بتواند این راهبردها را به نحوی موثر در موقعیت خاص خودش به کار ببرد تا بدین وسیله محیطی آرام و بدون فشار روانی برای شاگردانش فراهم آورد. در دنیای کنونی نقش معلم از امر کننده یا ارباب و تلقین کننده ی دانش به تدریج به سوی رهبری و مدیریت برنامه ریزی شده تغییر کرده است. نقش جدید معلم اهمیت آموزش مدیریت کلاس درس را روشن تر می کند. اکنون معلم خوب یعنی یک روان شناس، یک جامعه شناس، یک کارشناس علوم تربیتی و سرانجام یک مدیر آموزشی است (مرعشی، ۱۳۷۱).

به طور خلاصه می توان گفت: به منظور ایجاد نظم و تغییر مدیریت کلاسی، سه شرط لازم است، و این شروط عبارتند از:

- روش تدریس مناسب، ویژگی های شخصیتی معلم و استفاده از فنون تدریس، هر کدام از موارد ذکر شده به صورت مهندسی شده و کاربردی، در این مقاله توصیف و تبیین گردید. در پایان پیشنهادهایی با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله ارائه می گردد؛
- تشکیل کارگاه های آموزشی و اجرای فنون تدریس به صورت علمی در این کارگاهها برای تمامی کسانی که با تدریس و به طور کلی آموزش سر و کار دارند.
- تشکیل دوره های ضمن خدمت به منظور آشنایی همه معلمان با روش های تدریس گوناگون، تا معلمان بتوانند در مواقع ضروری آن روش ها را به کار گیرند.
- برگزاری همایش، سمینارها و نشست های علمی و جلسات شورای معلمان می تواند فرصت بسیار مناسبی جهت بحث پیرامون انضباط کلاسی فراهم آورد.
- دعوت از افراد موفق برای ایراد سخنرانی در جلسات شورای معلمان پیرامون چگونگی مدیریت کلاس درس.
- تغییر محتوای کتب درسی با توجه به روش های فعال تدریس و ارائه ی محتوا براساس تفکر واگرا به جای تفکر همگرا به منظور در گیر کردن شاگردان با مطالب و کمرنگ کردن روش های تدریس سنتی.
- تبیین ویژگی های یک معلم نمونه از نظر شخصیتی و اخلاقی و ارائه ی الگوهای مناسب توسط گروه های آموزشی، رسانه ها و آموزش و پرورش و استخدام معلمان با ویژگی های شخصیتی مناسب.
- تقدیر از معلمان که بدون تنبیه و خشونت به بهترین نحو ممکن کلاس درس خود را مدیریت مینمایند و تهیه ی فیلم و سی دی از الگوهای تدریس این معلمان جهت استفاده ی سایر همکاران.
- اجرای طرح مربیگری همتا در مدارس که بعضی معلمان در اداره کلاس مشکل دارند.
- اجرای طرح تصمیم گیری دلفی و سیستم گروهی اسمی به منظور نظر سنجی از همه ی همکاران جهت مدیریت کلاس درس و برگزاری دوره ی بیست ساعته ی کوتاه مدت ضمن خدمت پیرامون شیوه های مدیریت کلاس برای کلیه معلمان.
- تحقیق پیرامون موضوع و شیوه های مناسب مدیریت کلاس در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان.
- چاپ و نشر خلاصه تحقیقات انجام شده به صورت اقدام پژوهی در خصوص موضوع مدیریت کلاس درس.

## منابع

۱. بابالویان، رضا. سعداللهی، آرش و مسعودی، مجید، ( ۱۳۹۴)، «مدیریت کلاس درس»، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران: موسسه برگزار کننده همایش های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان.
۲. پرداختچی، محمد حسن، (۱۳۷۲)، «منابع اقتدار راهنمایان آموزشی»، فصل نامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال دوم شماره ۸.
۳. پیریایی، حسین، (۱۳۸۳)، «بررسی راههای افزایش علاقه مندی دبیران استان لرستان با استفاده از روش های تدریس».
۴. تاج‌الدین، ضیا، (۱۳۸۲)، «مدیریت کلاس درس (مفاهیم، شالوده‌ها و راهکارها)»، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۵، صص ۳۶ تا ۳۷.
۵. تابلستون، داناواکر، (۱۳۹۲)، «آنچه هر معلم باید بداند: مدیریت کلاس و کلاس داری»، ترجمه بهمن ابراهیمی و علی اسماعیلی، تهران: شلاک.
۶. جویس، بروس وویل، مارشا، (۱۳۷۶)، «الگوهای جدید تدریس»، ترجمه بهرنگی، محمد رضا، نشر تابان.
۷. رگ، ادواردکنراد، (۱۳۸۲). «مدیریت کلاس در دبستان»، ترجمه علیرضا کیامنش و کامران گنجی، تهران: رشد.
۸. رئوفی، حسین، (۱۳۷۷)، «مدیریت، رفتار کلاسی»، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. سرمد، غلامعلی، (۱۳۷۶)، «تدریس، هنر معلمی»، تهران: انتشارات اشراق .
۱۰. زمانی، محمد رسول، (۷۹ - ۱۳۷۸)، «انضباط و مدیریت کلاس دو مقوله متفاوت»، نوشته گای آر - لفرانسوا، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، دی و بهمن‌ماه.
۱۱. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۷)، «روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش»، تهران: دوران.
۱۲. شعبانی، حسن، (۱۳۸۲)، «مهارت های آموزش و پرورش ( روشها و فنون تدریس )»، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. صباغیان، زهرا، (۱۳۸۰)، «مدیریت کارآمد در کلاس درس (راهنمای معلمان و مدرسان)»، نوشته کولین جی. اسمیت و رابرت لاسلت، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. صفوی، امان‌الله، (۱۳۷۲)، «مدیریت کلاسی»، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال دوم، شماره ۴.
۱۵. صیامی، توحید، (۱۳۸۰ و ۱۳۷۰)، «مدیریت کلاس درس»، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، مهرماه. صص ۲۲ تا ۲۴، اسفندماه صص ۲۹ تا ۳۴، فروردین ماه صص ۳۱ تا ۳۴ و اردیبهشت ماه صص ۴۳ تا ۴۵.
۱۶. عباسی، مصطفی. زبیری، حسن. عباسی، رضا، (۱۳۹۳). «نقش های معلم در مدیریت کلاس درس»، اولین سمپوزیوم علوم مدیریت تهران، اسفندماه ۹۳.
۱۷. عباسی، رضا. هاشمی فارسی، آسیه وعباسی، مصطفی. (۱۳۹۵)، «بررسی مدیریت کلاس درس معلمان با تأکید بر فنون کلاس داری آنان»، مجله رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۶، تابستان ۹۵، صص ۹۲-۸۴.
۱۸. قورچیان، نادر قلی، (۱۳۷۹)، «جزئیات روش تدریس»، تهران: نشر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی آموزش و پرورش.
۱۹. لفرانسوا، گای آر، (۱۳۸۰)، «روانشناسی برای معلمان»، ترجمه هادی فرجامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۰. مرعشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، «مدیریت و سازماندهی کلاس درس»، رشد تکنولوژی آموزشی، دوره هشتم، شماره ۶ تهران: پایگاه علوم تربیتی.
۲۱. هرگنهان، بی. آر، و السون، ام. اچ. (۱۳۸۷)، «مقدمه ای بر نظریه های یادگیری»، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: دوران.
22. Baker, J., and Westrup, H. (2000). The English Language Teacher's Handbook. London: continuum.